

فستیوال کان

و

سازمان‌های آن

« هفته انتقاد » : کوششی برای معرفی آثار اولیه فیلم سازان
« پانزدهه فیلم سازان » فارغ‌ازهر گونه فشار و اعمال نفوذ

فستیوال کان که اخیراً پایان یافت و جشن‌های آن از ۱۲ تا ۲۷ ماه مه (مطابق با ۲۲ اردیبهشت تا ۶ خردادماه جاری) ادامه داشت وارد بیست و پنجمین سال فعالیت خود شد. این فستیوال از هنگامیکه بصورت فعلی درآمده است، علاوه بر فعالیت عادی خود که مسابقه بین فیلمها و بازیهاست دارای سه بخش جنبی نیز هست: دو بخش فرهنگی و یک بخش اقتصادی. دو بخش فرهنگی موسومند به « هفته انتقاد » و « پانزدهه فیلمسازان » بخش اقتصادی موسومست به « بازار فیلم » روزنامه « لوموند » که از معتبرترین روزنامه‌های فرانسه است بمناسبت این جشن سه مقاله مهم و آموزنده در باره فستیوال کان و دو بخش فرهنگی آن انتشار داده است که توسط مسئولین ذیصلاحیت فستیوال تهیه شده و ابناً برای استفاده خوانندگان عزیز هفت هنر در اینجا به ترجمه آن مقالات مبادرت می‌کنیم:

تاریخ تشکیل فستیوال کان را باید اول سپتامبر ۱۹۳۹ ، مقارن با شروع جنگ دوم جهانی دانست . زیرا در این تاریخ بود که برای مقابله با سازمان معروف به لاموسترا ، La mostra که در ونیز از هفت سال قبل تشکیل شده بود و کاهلا تحت تاثیر حکومت فاشیستی ایتالیا قرار داشت و وسیله‌ای بود برای اعمال نظرات سیاسی آن دولت، عده‌ای از هنرشناسان به تشکیل این فستیوال اقدام نمودند .

بعد از جنگ ، فکر ایجاد یک برخورد و ملاقات بین ملتها دوباره قوت گرفت و اولین فستیوال فیلم در سال ۱۹۴۶ بر روی خرابه‌های جنگ بوجود آمد .

از آن تاریخ ۲۵ سال می گذرد و امسال فستیوال کان موفق شد بیست و پنجمین سال تولد خود را جشن بگیرد در حالیکه ریاست آن با کسی است که از روز اول در بوجود آوردن این فستیوال سهم اساسی داشته ، یعنی آقای ربرت فاور لوبره - Robert Favre - Le Bret .

در مدت این ربع قرن ، آقای « لوبره » آنقدر مبارزه و زد و خورد کرده و در جریان این مبارزات آنقدر لطمه و صدمه دیده و آنقدر پیر و زنی رسیده که انسان تصور می کند دیگر مبارزه و شکست و ناراحتی در او هیچ اثری ندارد ولی بهیچوجه اینطور نیست . هر ساله در ماه مه ، شب قبل از تحویل فستیوال به مهاجمین (تماشاچیان ، نمایندگان مطبوعات ، سینماچی ها) آقای رئیس باقیافه‌ای که کاملاً حکایت از خستگی و آزرده‌گی و ملالت از بی‌خوابی و فرسودگی اعصاب و وحشت می کند به خلق تنگی میبرد و قسم می خورد که « سال بعد دیگر مرا اینجا نخواهید یافت » گرچه همیشه او را در آنجا مییابند .

وی چنین حکایت می کند : از همان

ابتدای کار سیل مشکلات شروع شد . سال ۱۹۴۶ را بخاطر آوردید . شب افتتاح ، حتی آپارات چینی وارد و ذیصلاحیت نداشتیم . قرقره‌های فیلم روسی را وارونه گذاشته بودند و فیلم وارونه نمایش داده شد و بهمین جهت نمایندگان شوروی با جنجال زبان به اعتراض گشودند و تهدید کردند که کان را ترک خواهند کرد . خوشبختانه فردای آنروز همین حادثه برای یک فیلم انگلیسی اتفاق افتاد و نمایندگان شوروی را آرام کرد ولی باعث شد که نمایندگان فرانسه تقاضای تعطیل فستیوال را بنمایند . خوشبختانه این تقاضا را نمایندگان کشورهای دیگر با رأی تشویق آمیز خود خنثی نمودند . همیشه این طور بوده ، یعنی در مواقع حساس و خطرناک هیئت‌های نمایندگی خارجی بوده‌اند که مرا یاری و تقویت نموده‌اند .

- آیا در آن زمان نمایش فیلمها در کازینوی شهرداری بعمل می آمده ؟

- بله . زیرا کاخ فستیوال در سال ۱۹۴۸ آماده شد و شهرداری آن زمان کان ، آقای دکتر پیکو برای برقراری جشن در کازینوی شهرداری تکاپو و تلاش فوق‌العاده‌ای کرد زیرا مقامات مربوطه معتقد بودند این جشن خرج تراشی زائد و تجملی است . متقاعد کردن آنها کار آسانی نبود . روز افتتاح ، در تالار هنوز تعداد زیادی کارگر مشغول کار بودند و ما از بابت سقف تالار که طوفان چند روز قبل آنرا از جا کنده بود بسیار نگران بودیم .

- آیا فستیوال در این دوره بیشتر جنبه دید و بازدید و میهمانی نداشته ؟

- البته جلسات پذیرائی در این دوره تاثیر مهمی داشته و نباید از نظر دور داشت که در اوضاع و احوال بعد از جنگ ، شرکت کنندگان در فستیوال از ملاقات یکدیگر بسیار خوشوقت

می شدند . بهر حال نمی توان فراموش کرد که در جریان همین فستیوالهای اولیه بود که «نئو رئالیسم» ایتالیائی آشکار شد و ما توانستیم سینمای هندی و مکزیکی و سوئدی و شوروی را کشف کنیم و «تازه کارانی چون رنه کلمان RENÉ CLÉMENT و امیلیو فرناندز EMILIO FERNANDEZ و آلف سیوبرک ALF SJÖBERG و روبرتو روسلینی ROBERTO ROSSELLINI و ژاک بیکر Jacques BECKER و دیگران را مورد تشویق و حمایت قرار دهیم .

– تحول بعدی فستیوال کان بچه صورتی بوده است ؟

– بنظر من فستیوال بسرعت جنبه حرفه‌ای پیدا کرد . این فستیوال دووظیفه بعهدہ دارد : ۱- به تمام کسانیکه بنحوی از انحاء با سینما سروکار دارند فرصت میدهد همدیگر را بشناسند و دورهم جمع شوند و مشکلات خود را بایکدیگر طرح نمایند . ۲- این امکان را ایجاد میکند که هنر و نبوغ فیلمسازان جوان در بهترین شرایط و با رخشندگی فوق العاده‌ای معرفی و شناسانده شود . این وظیفه «تشویق و تحریک» بنظر من مهمترین وظیفه فستیوال بوده و در طول این ۲۵ سال به بهترین وجهی انجام شده است .

ضمناً باید گفت که طرز کار فستیوال پاپای تحول صنعت و هنر سینمایی دچار دگرگونی شده است . ایجاد «بازار فیلم» مؤید این نکته است که فستیوال بغیر از جنبه های هنری (آرتیستیک) و در حاشیه روحیه هنری خود تاثیر اقتصادی بسیار مهمی نیز دارد . و همچنین خیلی خوشحالم از اینکه در جنب مسابقات رسمی هنری ، ابتدا «هفته انتقاد» و سپس «پانزدهه فیلمسازان» بوجود آمد . این دو بخش

جالب و هیجان انگیز به تماشاچیان سینما اجازه و امکان میدهد که با گوناگون ترین و گاهی انقلابی ترین اشکال هنر سینما تماس و آشنائی حاصل نمایند .

– در اداره کردن فستیوال ، شما تاکنون با چه مشکلات اساسی روبرو بوده اید ؟

– زمانی بود که وقایع سیاسی روز مرتباً برای مادر دسر ایجاد میکرد . خوشبختانه دیگر دوران هیجانات سیاسی سپری شده و اینک بیشتر فشار تولید کنندگان و دولتهای ذیعلاقه است که برای ما گرفتاری ایجاد میکند و باید با آن مبارزه کرد . همه میخواهند به فستیوال کان دعوت شوند و فیلمشان نمایش داده شود .

چقدر مشکل است این اصل روشن را بقبولانیم که اگر فیلمی که در سطح پائین قرار دارد به فستیوال آورده شود و در معرض مقایسه و رقابت قرار گیرد بضرر آن فیلم تمام میشود ، فستیوال کان قادر نیست برك چغندر را به گل سرخ تبدیل کند . در عوض ، تا چند سال پیش برای من بس دشوار بود که کمپانیهای هولیودی را به فستیوال کان بکشانم . در واقع اینان حضور و شرکت در فستیوال کان را برای خود خطرناک میدانستند ولی با تغییراتی که در کار فیلمسازی امریکا پدید آمده این مشکل نیز حل شده است .

یاری ! امروز مشکل اساسی من مشکل مالی است . مجمع هنری سال ۱۹۴۶ بعد از ۲۵ سال ، تبدیل شده است به تشکیلاتی وسیع و بسیار پیچیده . در سال گذشته (۱۹۷۰) در «کان» ده هزار شرکت کننده در جشن و هزار و دویست نماینده مطبوعات و رادیوها ، تلویزیونها را پذیرائی کردیم . در سال جاری این رقم بازم افزایش خواهد یافت .

– آینده را چگونه می یابید ؟

– در بیست و پنج سال گذشته حملات شدید و

ضربه‌های کشنده‌ای به فستیوال وارد آمد بطوریکه چندین بار صاحب‌نظران انحلال آنرا پیش بینی کردند. ولی هر بار بر مشکلات و بحرانها پیروز شدیم و حتی بر بحران ماه مه ۱۹۶۸ فایق آمدیم. تمام این پیروزیها بخاطر این بود که فستیوال بر اساس يك احتیاج قطعی زمان ما بوجود آمده. هیچکس تا کنون فواید و حتی برتری این سازمان را انکار نکرده است. تشکیلات فعلی فستیوال دارای چهار بخش است. بخش مسابقات سینمایی (که علیرغم گفته‌های بعضی‌ها بنظر من مؤثرترین و مفیدترین بخش فستیوال است)، بخش‌های «هفته انتقاد» و «پانزدهه فیلمسازان» و «بازار فیلم».

این چهار بخش به تمام شرکت کنندگان در فستیوال کان امکان میدهد آنچه را می‌جویند و بخاطر آن به کان آمده‌اند در اینجا به بهترین وجهی بیابند.

نکته اساسی و حیاتی در اینجا است که فستیوال از هر گونه نفوذ سیاسی یا ایدئولوژیکی یا اقتصادی بر کنار است و این نکته باعث شده که فستیوال بتواند بحیات خود ادامه دهد و هر سال از سال گذشته بهتر شود و هیچگاه تحت تاثیر منافع گردانندگان صنعت سینما قرار نگیرد. فستیوال به فرد بخصوصی تعلق ندارد زیرا متعلق به همه است و نفعش به همه میرسد. اگر فستیوال استقلال فعلی خودش را از دست بدهد و خط مشیی را که تا کنون بدقت تعقیب نموده رها کند سرعت دچار سرنوشت شومی خواهد شد. همه میدانند که فستیوال هانیز فناپذیرند اجازه ندهیم فستیوال ما بدست خودمان نابود شود.

«هفته انتقاد»: امسال دهمین سالگرد تأسیس خود را جشن گرفت. این بخش از

فستیوال که در جنب بخش رسمی فستیوال یعنی بخش مسابقات سینمایی، و بموازات آن بکار خود ادامه میدهد بطور روز افزونی قبول عام می‌یابد. برای اثبات این نکته حکایتی از فستیوال سال قبل نقل میکنیم. منتقدین (هفته انتقاد) اثری چون KES از کن لوچ KEN LOACH، انگلیسی را جزء آثار برگزیده معرفی کردند ولی این اثر به فستیوال راه نیافت و هیئت داوران بعداً اقرار کردند که اگر این اثر را به توصیه منتقدان به فستیوال می‌آوردند برنده جایزه اول «نخل زرین» میشد.

سازمان «هفته انتقاد» که واقعا از فشارهای سیاسی و تجارتي مبرا است تبدیل شده است به مرکز برای مباحثه و برخورد عقائد و آراء و اکتشافات هنری. يك هیئت دوازده نفری از منتقدین فرانسوی یا خارجی که در پاریس اقامت دارند، از بین هشتاد فیلمی که از تمام نقاط جهان ارسال شده هشت یا نه فیلم را انتخاب میکنند. فیلمهایی که به این سازمان ارسال میشود باید اولین یا دومین اثر فیلمساز مربوطه باشد. این اصل که بشدت اجرا و رعایت میشود و استثنا بردار نیست، باعث شده است که سازمان بتواند در تحرك بخشیدن به هنر سینما نقشی اساسی داشته باشد و راه را برای نسل‌های آینده باز نماید.

این فورمول ما را کلیه فستیوال‌های سینمای جوان قبول نموده‌اند.

«پسارو» PESARO در ایتالیا و «لوکارنو» در سویس و «هیر» HIÉRES در فرانسه و «مانهایم» در آلمان.

باری - «هفته انتقاد» در زمانی بوجود آمد (سال ۱۹۶۲) که در چهار گوشه جهان يك نهضت قوی و مقاومت ناپذیر سینمایی بوجود آمده بود، منظور سینمای جدید است که نهالهای

نبوغ و استعداد را بارور و برومند می ساخت .
« سینما نوو » (CINÉMA NOVO) در
برزیل و « سینمای مستقیم » در کانادا و -ینمای
جوان چکوسلواکی . تمام این کوشش های
« انقلابی » که کم و بیش مقارن هم بودند در
برنامه های سالهای بعدی گنجانده شدند

آقای پیر هانری دلو PIERRE - HENRI
DELEAU که بنیان گذار و موسس اصلی و
مسئول جامعه فیلمسازان کان می باشد از ابتدای
تشکیل این سازمان از طرف مجمع عمومی
متشکل از کلیه فیلمسازان بسمت ریاست انتخاب
شده و از آن زمان (ماه مه سال ۱۹۶۹)
تا کنون در این سمت باقی است . وی که
خود سازنده تعداد زیادی فیلمهای کوتاه مدت
میباشد ، آسیستان اشخاصی مانند « مارسل
هانون » و « ژاک دونیول - وال کروز »
JACQUES DONIOL - VALCROZE
و « سوزومو - هانی » نیز بوده است .

تهیه کننده این مقاله (لوئی مار کورل)
گفتگویی با وی داشته که در زیر از نظر
خوانندگان عزیز میگذرد :

یک فستیوال باید کاملاً آزاد باشد و درهای
آن بروی همگان مجابا باز باشد و تنها تیول
روزنامه نگاران نباشد . و نیز باید از بستگی
بیک کشور خاص برکنار باشد و هیچگونه فشار
پا اعمال نظری را از جانب هیچ نماینده رسمی
و هیچ دولتی تحمل و قبول ننماید . در ۱۹۶۹
ریاست فستیوال کان با تجربه ای که از وقایع سال
قبل (۱۹۶۸) بدست آمده بود از ما خواست
که سازمان « پانزدهه فیلمسازان » را بوجود
آوریم تا از این راه بروز آشفتهگی های احتمالی
منتفی شود . ولی این تصمیم را سه هفته قبل
از شروع فستیوال بما ابلاغ کردند . بعجله
دست بکار شدیم و دعوتنامه های همه جا ارسال
داشتیم !

در این فیلمها از قشنگی یا دقت آکادمیک
و نیز از نوآوری «بهر قیمت» خبری نیست .
بین یکصد فیلمی که «هفته انتقاد» در طول
دهسال گذشته معرفی کرده است نمی توان
براحتی وجه مشترکی یافت ، معهذا گفته شده
وجه مشترك این فیلمها اهتمام و افری است
که سینما سازان مزبور بکار برده اند تا از
واقعیت دور نشوند . اینان که اغلب جوان هم
میباشند سعی کرده اند آنچه را در اطراف آنها
وجود دارد درك کنند . این خواست و کوشش به
بهترین وجهی (هم از نظر اقتصادی و هم از نظر
هنری) در «سینمای مستقیم» تجلی یافته است .

نتیجه کار گرچه مثبت و قابل تقدیر است
ولی جنبه های اساسی این سازمان را مخفی
نمی تواند کرد . در واقع «هفته انتقاد» یک
بهانه یا توجیه فرهنگی است . برای پیشبرد
هدفهای تجارتي ، سازمان خود این را میدانند
ولی ترجیح میدهد که با قبول این طرز کارشان
حیات - یا ادامه حیات را برای فیلمسازان
جوانی که جویای بازار برای کار خود هستند
فراهم آورد و حتی از این راه موفق شده است
در بعضی موارد سدهای سانسور را در هم شکند .
گرچه نمایش فیلم «انقلاب» که در سال ۱۹۶۸
جزء فیلمهای برگزیده بود هنوز در فرانسه
ممنوع می باشد .

با وجود اینکه فیلمهای انتخاب شده هر
ساله بعد از فستیوال کان ، در پاریس نمایش
داده میشوند ولی چون سینماهایی که معروف به

بکار رفت . انجمن فیلمسازان آلمانی فیلمهایی را پیشنهاد کرد و د کارلوس ویلارد بو ، CARLOS VILARDEBO و خود من برای دیدن این فیلمها به مونیخ رفتیم و از بین آنها ۵ فیلم را انتخاب کردیم .

پیشرفت رضایت بخش بود در سال ۱۹۷۰ دو است فیلم بما ارجاع شد که از بین آنها پنجاه فیلم را برگزیدیم .

ولی در سال ۱۹۷۱ عدم هم آهنگی عجیبی پیش آمد منتقدین که فقط بررسی اولین اثر هر فیلمساز را وجهه همت خود قرار داده اند فقط ۸۳ فیلم را مورد بررسی قرار دادند در حالیکه ما فیلمسازان ۳۰۰ فیلم را بررسی کردیم ، هر کدام از این دو سازمان (هفته انتقاد و پانزدهه فیلمسازان) دلایلی برای نظر خود ابراز میکنند در سال جاری مسئولین اصلی انتخاب عبارت بودند از : « دونیول - وال کروژ » و « لئوی مال ، و « آلن کاوالیه ، و « ژاک پواترونو ، و خود من .

بیست و پنج کشور

ما هر فیلمی را دو بار با فاصله یک روز نمایش میدهیم وعده ای ایراد گرفته اند که این زیاد است در سال جاری از ۲۵ کشور فیلم انتخاب کرده بودیم و به امریکای لاتین و کانادا اهمیت بیشتری داده بودیم . از فیلمسازان جوان ژاپنی نیز فیلم داشتیم . فیلم علوم تخیلی (سیانس - فیکسیون) امریکائی (THX 1138) بسیار جالب بود . در یک مدت نسبتا کوتاه در کانادا کثرت تعداد فیلم نمایش داده میشود . ما قصد داریم برای فیلمهای خودمان حداکثر امکان موفقیت را تأمین کنیم و در عین حال فروش آنها را تسهیل نمائیم . ولی مشکل توزیع و بهره برداری منظم این فیلمها هنوز حل نشده است .

ولی ما ضابطه دقیقی در دست نداشتیم . اغلب يك دور انتخاب قبلی توسط فیلمسازانی که مقیم خارج بوده اند بعمل آمده است ، مثلا در برزیل « پیر کاست » این انتخاب را بعمل آورد و فیلمسازان برزیلی هم نظر خود را داده اند و مورد توجه بوده . در آلمان نیز همین رویه

شهرشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی